

## دادگاه بین‌المللی جزایی

### International Criminal Court

#### امان ریاضت

#### مقدمه

دادگاه بین‌المللی جزایی (International Criminal Justice)، موضوع جالب و مهم این نگارش است. اگر جرم و جنایتی در هر نقطه از جهان انجام شود، به آن رسیده گی می‌شود و مصوون نیست. این دادگاه به اندازه مهم است که حتا سران دولت‌ها بدون در نظر داشت مؤقف و وظیفه شان را محاکمه می‌نماید. در کنار موارد دیگر، این روزها این دادگاه اعلام کرده که به جنایت‌های جنگی انجام شده در افغانستان رسیده گی می‌کند. ما در این نگارش، نخست از همه، انگیزه ایجاد، چگونگی رسیده گی به جرایم انجام یافته توسط سران دولت‌ها بدون در نظر داشت قوانین داخلی شان و انتقادهایی در پیوند به این دادگاه را واضح می‌نماییم.

دادگاه بین‌المللی جزایی، نخستین دادگاه بین‌المللی با صلاحیت و دایمی در جهان است. این دادگاه برای رسیدگی به جرایمنسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز ارضی، در لاهه-هلند، ایجاد گردید؛ اما پسان رسماً اعلام کرد که از این پس به جرایم زیست محیطی تحت عنوان "جنایات علیه بشریت" نیز رسیدگی خواهد کرد.

اندیشه ایجاد یک چنین دادگاهی که صلاحیت محاکمه جنایت‌کاران را در سطح بین‌الملل داشته باشد هر چند از گذشته محسوس بود و اما پس از جنگ جهانی دوم، این اندیشه اتفاق افتید. در ۹ دسامبر ۱۹۴۸م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته ویژه‌ای که از نمایندگان دولت‌ها تشکیل شده بود، درخواست نمود که امکان ایجاد دادگاهی را که صلاحیت رسیده گی به جنایت‌های علیه بشریت و نسل‌کشی را داشته باشد، بررسی نماید. علی‌رغم تأکید هر دو مرجع مبنی بر کارا بودن یک چنین دادگاهی، اما این عمل اتفاق نیفتید. سرانجام در دسامبر ۱۹۹۵م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تصمیم بر تشکیل کمیته مقدماتی برای ایجاد دادگاه بین‌المللی جزایی گرفت که دوبار در سال ۱۹۹۶ در نیویورک به منظور تهیه اساس‌نامه موقتی، تشکیل جلسه دادند. در ۱۷ جولای ۱۹۹۸م. نمایندگان کشورها در ژنوا ایتالیا، اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی را به تصویب رساندند که این معاهده در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجراء گردید و دادگاه نیز در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد.

موضوعاتی که دادگاه به آن رسیده گی نموده و همچنان برخی انتقادهایی که از سوی بسیاری کشورها آفریقایی و اتحادیه عرب، صورت گرفته است، از زمره بخش‌های مهم و قابل توجهی است که می‌تواند دادگاه را در این نگارش بیشتر به معرفی بگیرد.

در نهایت، این دادگاه به منظور کشاندن حتا سران دولت‌هایی که یک جنایت تعریف شده در اساس‌نامه رم را انجام داده است، تأمل می‌کند. به این دلیل، تفاوت‌های این دادگاه با سایر دادگاه‌هایی که در گذشته ایجاد گردیده بود، در این نوشته گنجانیده شده است. آنچه در این نگارش می‌خوانید، بیشتر از کتاب‌خانه‌های الکترونیکی، رسانه‌های مهم بین‌المللی و همچنان از گزارش‌ها و مقاله‌های انگلیسی نشر شده در فضای الکترونیکی، گرفته شده است.

#### ضرورت و پیشینه‌ی شکل‌گیری؛

ایجاد دادگاه بین‌المللی جزایی، در حقیقت حاصل تلاش‌هایی بود که پس از جنگ جهانی اول آغاز گردید. نخستین گام در راستای محاکمه و مجازات نمودن جنایت‌کاران بین‌المللی در معاهده ورسای سال ۱۹۱۹م. برداشته شد. بر بنیاد این معاهده، ویلهلم دوم، حاکم آلمان به سبب انجام برخی جرایم می‌بایست تا محاکمه گردد؛ اما وی به هلند پناهنده شد و هلند نیز وی را مسترد نکرد، تا این‌که در سال ۱۹۴۱م. درگذشت. (سفارت ایران، لاهه)

پس از جنگ جهانی دوم، برای نخستین بار در ماده ۲۲۷ معاهده ورسای به محاکمه امپراطور آلمان اشاره شد. در ماده ۲۲۸ و ۲۳۰ نیز در باره محاکمه ۹۰۰ تن از کسانی که جنایات جنگی را انجام داده بودند، اشاره شده است؛ هر چند این دادگاه‌ها نمایشی بودند ولی گامی مؤثر و شجاعانه به سوی مجازات سران دولت‌ها بود که جنایت‌های علیه بشریت را انجام داده بودند.

به بیان دیگر، با گذشت زمان و محاکمه سران آلمان و ژاپن توسط متفقین، ما شاهد تحول مؤنیت سران دولت‌ها و احتمالاً خلع مؤنیت آنان، بودیم. در دهه ۹۰ م. این حرکت، سرعت بیشتری به خود گرفت، به طوری که ما در آغاز شاهد ایجاد دو دیوان بین‌المللی برای

یوگوسلاوی سابق و رواندا و تصویب سند ایجاد دیوان کیفری بین المللی (اساسنامه رم) بودیم. در این زمان هر گاه یکی از ریسان دولت‌ها، یکی از جرایم علیه بشریت را انجام می‌دادند، نمی‌توانست به مصونیت ناشی از انجام وظیفه، استناد نماید. بنابر این، جامعه بین الملل مجازات این افراد را یک نیاز به منظور اجرای عدالت در صحنه بین الملل می‌دانست. (میلانی و فردین؛ ۱۳۹۵: ۴۹)

در ۹ دسامبر ۱۹۴۸م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از کمیسیون حقوق بین الملل و کمیته ویژه‌ای که از نماینده‌گان دولت‌ها تشکیل شده بود، درخواست نمود که امکان ایجاد دادگاهی را که صلاحیت رسیده‌گی به جنایت‌های علیه بشریت و نسل کشی را داشته باشد، بررسی نماید. علی‌رغم تأکید هر دو مرجع مبنی بر کارا بودن یک چنین دادگاهی، اما این عمل اتفاق نیفتید. این جریان در کنوانسیون ۱۹۷۳م. منع و مجازات جنایت‌های آپارتاید، نیز دنبال گردید. در کنار آن، ماده ۵ کمیسیون حقوق بین الملل، در سال ۱۹۹۱م. پیش‌نویس قانون جنایات علیه صلح و امنیت بشری را تصویب نمود. (سفارت ایران، لاهه)

پیوسته مسأله تدوین و اعمال حقوق کیفری بین المللی با طرح اصل استقلال و حاکمیت کشورها و عدم جواز مداخله در امور داخلی آنان، محال به نظر می‌رسید. در نتیجه هیچ‌گاه موضوع ضرورت همکاری میان کشورها و اقدام همه جانبه آن‌ها در مبارزه با جرایم بین المللی به صورت جدی مطرح نمی‌شد. بدین سبب از یک سو جوامع بشری پیوسته شاهد جنایاتی چون: نسل کشی، جنایت ض بشری و جنایت جنگی بوده اند به گونه‌ای که مشاهده می‌شود از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون بیش از ۲۵۰ جنگ‌های مسلحانه خونین در جهان رخ داده است که نزدیک به ۱۷۰ میلیون قربانی به جا گذاشته است و از سوی دیگر دادگاه‌های داخلی از توانایی‌های لازم برخوردار نیستند تا انجام داده گان چنین جرایمی را به پای دادگاه بکشانند و عدالت جزایی را در حق آن‌ها اجراء نمایند.

اگر چه همکاری گسترده بین المللی کشورها با یک‌دیگر در بخش‌های حقوقی و تجاری از طریق انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه، قابل مقایسه با چنین همکاری در زمینه‌های جزایی نمی‌باشد، به گونه‌ای که به جرأت می‌توان ادعا کرد که روند همکاری بین المللی کشورها در زمینه‌های جزایی حداقل ۵۰ سال از زمینه‌های حقوقی و تجاری پس‌تر است، ولی باید بیان کرد که همیشه آرزوی همکاری و مشارکت وسیع جهانی در زمینه‌های جزایی به ویژه از طریق ایجاد یک دادگاه جزایی بین المللی، اندیشه بشر را آزار می‌داد.

از آغاز ایجاد جامعه ملل، بحث همکاری‌های بین المللی کشورها در امور جزایی، موضوع دستور کار کمیته کارشناسان جامعه ملل به منظور تدوین پیشرفته حقوق بین الملل قرار گرفت. در سال ۱۹۲۸م. گزارشی از کمیته فرعی وابسته به آن، توسط پروفیسور شوکینگ تهیه شد که در آن از همه کشورها خواسته شد تا از مجاری دیپلماسی، پیشنهادهای خود را در زمینه همکاری‌های جزایی بین المللی و راه‌کردهای آن، ارایه نمایند.

موضوع‌هایی چون: تجارت جنگ افزارهای کشتار جمعی، مواد مخدر، تروریسم بین المللی و حتا جرایم تجاری، جامعه بین المللی را به فکر ایجاد دادگاه‌های ویژه انداخت. ایجاد دادگاه‌های ویژه نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم به منظور به دادگاه کشاندن مجرمان جنگی آلمان و ژاپن، سپس ایجاد دادگاه ویژه دیگری به نام دادگاه بین المللی یوگوسلاوی سابق به منظور به دادگاه کشاندن مجرمان جنگی در کشتار مردم مسلمان و بی دفاع بوسنی-هرزگوونی، نخستین گام عمده در طرح یک دادگاه بین المللی مدرن و پایدار به شمار می‌آید. (ابراهیمی؛ ص: ۱۵۱-۱۵۲)

همچنان، محکمه نورنبرگ، مجرمان اصلی را در جبهه اروپا محاکمه می‌کرد و از هشت عضو تشکیل می‌شد؛ هر یک از چهار کشور آمریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی که هر کدام، یک عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل برای محکمه معرفی نموده بودند.

محکمه توکیو یک محکمه نظامی بین المللی برای خاور دور ناشی از منشور توکیو بود.

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی یوگوسلاوی سابق در ۲۵ مه سال ۱۹۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به منظور تعقیب اشخاصی که متهم به جرایم نسل کشی و نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین المللی در رواندا بودند، در شهرهای لاهه-هلند و آروشا-تانزانیا ایجاد گردید. این دو محکمه از سوی طرف‌های پیروز جنگ نه بلکه از سوی شورای امنیت سازمان ملل ایجاد شده است؛ از این رو، به مفهوم دقیق‌تری محکمه بین المللی گفته می‌شود. (مختاری، حقوقدانان)

در سال‌های اخیر عزم بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین المللی که اساساً دارای ماهیت سیاسی می‌باشد، بر این تعلق گرفت تا یک مرکز مستقل جزایی بین المللی در سطح جهان در مبارزه با جرایم بین المللی شکل گیرد. با تصویب اساسنامه دیوان

جزایری بین المللی در جولای ۱۹۹۸م. پس از سالها برنامه ریزی و انتظار و ارایه طرحها و پیش نویسهای متعدد و پذیرفتن آن توسط بسیاری از کشورهای شرکت کننده در نشست، این گام مهم برداشته شد.

کشورهای عضو جامعه بین المللی پذیرفته اند که برای حفظ امنیت ملی و اجرای مؤفق قوانین جزایی، ضروری است تا از طریق همکاری بین المللی، کشورها با همدیگر به جنگ با مجرمان بین المللی بروند. (ابراهیمی؛ ص: ۱۵۱-۱۵۴)

سرانجام در دسامبر ۱۹۹۵م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تصمیم بر تشکیل کمیته مقدماتی برای ایجاد دیوان کیفری بین المللی گرفت که دوبر در سال ۱۹۹۶ در نیویورک به منظور تهیه اساسنامه موقتی، تشکیل جلسه دادند. در جولای ۱۹۹۸م. نمایندگان کشورها در ژنوا ایتالیا، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را به تصویب رساندند که این معاهده در سال ۲۰۰۲ لازم الاجراء گردید و دیوان نیز در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد.

متن این اساسنامه با ۱۲۰ رأی موافق در برابر ۷ رأی مخالف از سوی، بحرین، چین، ایالات متحده، هند، اسرائیل، قطر و ویتنام به تصویب رسید. تهیه و تصویب اساسنامه رم کار دشواری بود؛ زیرا برخی از دولتها چون: ایالات متحده آمریکا، نه تنها با پس گرفتن امضای اساسنامه رم که کلیتاً در آخرین روزهای دوره ریاست جمهوری اش امضاء کرده بود، مخالفت نمود، بلکه تلاش نمودند تا با اعمال فشار بر دولت های دیگر، آنها را وادار به امضای توافق نامه هایی با دولت آمریکا بنمایند تا اتباع این کشور را به دیوان تسلیم نکنند. بر بنیاد ماده ۱۲۶ این اساسنامه، تأیید ۶۰ کشور به منظور اجرایی شدن آن، ضروری پنداشته شد.

### ویژه گی های اساسنامه روم و ارکان اداری دادگاه؛

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با نام رسمی «اساسنامه رم» تهیه شده و دارای یک مقدمه، ۱۲ فصل و ۱۲۸ ماده است. اساسنامه با یک سند نهایی که به پیشینه اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در مورد ایجاد دیوان پرداخته است، همراه می باشد. همچنین اساسنامه به همراه قطعنامه ای مصوب کنفرانس رم، اسامی دولت ها و سازمان های غیر دولتی شرکت کننده در کنفرانس است. اساسنامه سند رسمی سازمان ملل متحد به شمار می آید و به این دلیل، به تمام زبان های رسمی سازمان ملل (انگلیسی، فرانسه، عربی، چینی، اسپانیولی و روسی) تنظیم شده که همه گی از ارزش یکسان برخوردارند.

اهمیت تصویب این اساسنامه به اندازه ای است که فعالان حقوق بشر در سراسر جهان از زمان تصویب آن، هر ساله سالروز تصویب سند ایجاد دادگاه کیفری بین المللی را به عنوان «روز عدالت بین المللی» و یکی از مناسبت های ویژه گرامی می دارند. تصویب این سند نقطه عطفی در تحولات بین المللی در حوزه عدالت کیفری بین المللی و مسوولیت کیفری فردی و تعقیب کیفری نقض حقوق بشر به شمار می آید. (ابراهیمی، عقرب ۱۳۹۳)

دادگاه به تنهایی نمی تواند به اهداف خود برسد. این دادگاه به عنوان آخرین راه حل، به دنبال تکمیل روند است و نه این که جایگزین دادگاه های ملی شود. این دادگاه، نخستین دادگاه بین المللی کیفری دایمی است. برعکس، دادگاه هایی که در گذشته ایجاد گردیده بود، دو ویژگی مشابه داشتند، نخست آن که همه آنها برای یک دوره مشخص تشکیل شده بود؛ مثلاً: دادگاه رسیده گی به جنایت های یوگوسلاوی سابق با محاکمه و مجازات آخرین متهم به انجام جنایت، موضوعیت خود را از دست می دهد و موجودیتش به پایان می رسد. دوم آن که حوزه صلاحیت این دادگاه ها محدود به انجام دهنده گان جنایت خاص است. باز هم در مثال دادگاه یوگوسلاوی، مطابق ماده یک اساسنامه، این دادگاه تنها صالح به رسیده گی به جنایات افرادی است که از سال ۱۹۹۱م. به نوعی در انجام خشونت مسوول بوده اند. بنابر این، صلاحیت این دادگاه ها محدود به زمان و افراد خاص می شود. اما شرایط در دیوان کیفری بین المللی متفاوت می نماید. این دیوان دایمی است و می تواند به جنایات مهم که توسط هر فردی انجام شده، رسیده گی کند. یکی از مهم ترین ویژگی های دادگاه، استقلال آن است. دادگاه یک نهاد کاملاً مستقل به شمار می آید و زیر نظر سازمان و یا ارگانی، حتی سازمان ملل متحد، اداره نمی شود؛ اما این به معنای قطع کامل همکاری ها نیست. در همین ارتباط دیوان یک موافقت نامه همکاری با سازمان ملل متحد به امضا رسانده، بر اساس بند یک ماده اول این موافقت نامه: «سازمان ملل متحد، دیوان را به عنوان نهاد قضایی دائمی ... مورد شناسایی قرار می دهد.» بند ۲ همین ماده در ادامه اضافه می کند: «سازمان ملل و دیوان متقابلاً متعهد می شوند که موقعیت ها و مأموریت های یکدیگر را محترم شمارند.» (شریعت باقری؛ ۱۳۸۶)

دادگاه بین المللی جزایی دارای چهار رکن اداری است؛

- دفتر رییس: مسؤول اداری دیوان
- شعبه‌های رسیده‌گی: دیوان دارای سه شعبه است؛
  - تحقیقات مقدماتی
  - محاکمه
  - تجدید نظر
- دفتر دادستانی: این دفتر مسؤول انجام تحقیقات در باره جرایمی است که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است.
- دفتر ثبت: مسؤول جنبه‌های غیرقضایی اداره و خدمات دادگاه است. (سفارت ایران-لاهی)

### صلاحیت‌های آی.سی.سی و چگونه‌گی اعمال آن؛

#### صلاحیت تکمیلی؛

هنگام ایجاد دادگاه بین المللی جزایی، مسأله ارتباط این دادگاه با دادگاه‌های داخلی و ملی کشورها و تعارض صلاحیتی ممکن، مطرح گردید؛ به عبارت دیگر، این سوال مطرح بود که تعارض صلاحیت دادگاه بین‌المللی جزایی و محاکم ملی به چه نحوی می‌بایست حل شود؟ در جریان تهیه اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، اصل تکمیلی بودن صلاحیت دادگاه، پذیرفته شد. این اصل در جریان مذاکره‌های مقدماتی چندان روشن و واضح نبود، با این حال، نهایتاً در کنفرانس دیپلماتیک با اکثریت مطلق، به تصویب رسید. به موجب این اصل، محاکم ملی مسوولیت اصلی در تحقیق و تعقیب جنایت‌های بین المللی موضوع صلاحیت دیوان را دارا می‌باشند و در صورت عدم تمایل یا توانایی و یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دادگاه بین المللی جزایی، اعمال صلاحیت می‌کند. این موضوع در مقدمه ماده ۱ و ماده ۱۷ اساسنامه رم تأیید گردیده است. بنابراین، بر بنیاد این اصل اساسی، دادگاه بین المللی جزایی، تکمیل کننده محاکم ملی است؛ ولی جای‌گزین یا جانشین محاکم ملی نیست. (سفارت ایران، لاهی)

#### صلاحیت‌های ذاتی؛

بر بنیاد بند ۱ ماده پنجم اساسنامه رم، صلاحیت دادگاه محدود به مهم ترین جرایمی است که سبب نگرانی جامعه بین المللی است. دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرایم زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

- جرایم نسل کشی
- جرایم ضد بشریت
- جرایم جنگی
- جرایم تجاوز ارضی

**جنایت نسل کشی:** بر بنیاد ماده ششم اساسنامه، منظور از نسل کشی در این اساسنامه، انجام هر یک از اعمال زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی تمام شود.

- قتل اعضای گروه
- صدمه شدید نسبت به تمامیت جسمی یا روحی اعضای گروه
- قرار دادن عمدی گروه در معرض شرایط زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.
- تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل گروه
- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر

**جنایت ضد بشریت:** اساس‌نامهٔ ژم، انجام هر یک از ده عمل زیر در برابر جمعیت غیرنظامی را جنایت بشری می‌داند. پیش از معرفی این جرایم، یک نکته قابل ذکر است که هر کدام از این اعمال باید در برابر یک «جمعیت» قابل توجه، انجام شود؛ مثلاً: انجام اعمال زیر بر روی چند نفر یا یک گروه ده یا بیست نفر، جنایت علیه بشریت به شمار نمی‌رود.

- **قتل،**
- **ریشه کن کردن؛**

تحمیل عمدی شرایط خاصی از زندگی از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور نابود کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی شده است.

- **به برده‌گی گرفتن؛**

اعمال اختیاراتی به منظور خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان.

- **اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛**

جابجا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقه ای که قانوناً در آنجا حضور دارند بدون این که به موجب حقوق بین الملل مجاز باشد.

- **حبس کردن و یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین المللی انجام می‌شود.**
- **شکنجه؛**

تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی و یا روحی بر شخص که در توقیف یا تحت کنترل متهم [به شکنجه] است. [هرگاه شکنجه پی که درد و رنج نیز در پی داشته باشد، به عنوان یک جزء در قانون شان آمده باشد، از این قاعده مستثنی است].

- **تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشه‌گی اجباری، حامله‌گی اجباری، عقیم کردن اجباری و یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌سنگ با آنها؛**

حامله‌گی اجباری؛ یعنی: حبس کردن غیر قانونی زنی که به زور حامله شده است، به قصد تأثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقض‌های فاحش حقوق بین الملل.

- **تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت شامل صلاحیت این دادگاه که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیر مجاز شناخته شده است. به این معنا که گروهی را به گونهٔ عمدی و شدید از حقوق اساسی‌اش به دلیل هویت آن گروه محروم کنید.**
- **ناپدید کردن اجباری اشخاص؛**
- **جنایت آپارتاید؛**

انجام عملی غیر انسانی‌ای و ایجاد فشار توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروه‌های نژادی دیگر به منظور حفظ رژیم خود.

- **اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج و یا آسیب بزرگ به جسم یا به سلامت روحی و جسمی، انجام شود.**
- **حملهٔ گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی. ( شیرویی؛ آذر ۱۳۹۲ )**

در سپتامبر ۲۰۱۶ در گزارش دادستان لاهه از اولویت‌ها و انتخاب پرونده‌ها برای رسیده‌گی به جرایم، رسماً اعلام شد که از این پس دادگاه لاهه به جرایم زیست محیطی تحت عنوان "جنایات علیه بشریت" رسیدگی خواهد کرد. (آی.سی.سی.سی؛ سپتامبر ۲۰۱۰)

این پرونده‌ها شامل تخریب محیط، زیست بهره‌کشی ناعادلانه از منابع طبیعی و تصرف غیرقانونی زمین در کنار موارد دیگر است. (وایدل و باوکوت؛ سپتامبر ۲۰۱۶)

## **جنایت جنگی:**

این اساس‌نامه، جرایم جنگی را در بیست و شش مورد مشخص نموده است که از این میان می‌توان به برخی از این موارد، اشاره کرد:

- نقض آشکار کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹م ژنو؛
  - کشتار عمدی؛
  - شکنجه یا رفتار غیر انسانی؛ مثلاً: آزمایش‌های زیست شناختی.
  - فراهم سازی زمینه رنج و آسیب بزرگ و شدید به جسم یا سلامتی؛
  - گروگان گیری؛
  - هدایت عمدی انجام حملات در برابر مردم غیر نظامی؛
  - هدایت عمدی انجام حملات در برابر اهداف غیر نظامی؛
  - هدایت عمدی حملات به سوی ساختمان‌هایی که به مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی، بیمارستان‌ها و آثارهای تاریخی استفاده می‌شود؛
  - حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌های که اهداف نظامی نیستند؛
  - کشتن و یا زخمی کردن رزمنده‌ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته و یا تسلیم شده است.
  - اشغال سرزمین‌های دولت‌های دیگر و انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیر نظامی به مناطق اشغال شده؛
  - اعلام این مطلب: «به هیچ کس رحم نخواهد شد»
  - به کار بردن سم و یا سلاح سمی؛
  - تجاوز به کرامت شخص و رفتارهای تحقیر آمیز؛
  - بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی و یا سایر کارهای جنگی. (شیروبی؛ آذر ۱۳۹۲)
- نکته قابل ذکر در مورد جرایم جنگی این است که مقررات گفته شده تنها بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی قابل اعمال است و شامل «آشوب‌ها و تنش‌های داخلی مانند شورش‌ها و ... نمی‌شود.»
- همچنان، منظور از جرم تجاوز در اساس‌نامه، تجاوز به تمامیت ارضی یک کشور است. به دلیل اختلاف نظر کشورها در باره صلاحیت دادگاه در رسیدگی به چنین جرمی، این جرم مؤقتاً در اساسنامه به حالت تعلیق درآمده و دادگاه به آن رسیدگی نمی‌کند. اکنون با این توضیح‌ها، این پرسش به ذهن می‌رسد که دادگاه چگونه و در چه شرایطی انجام دهنده‌گان این جرایم را تحت تعقیب قرار می‌دهد؟ سه روش وجود دارد:
۱. هر یک از دولت‌های عضو دادگاه می‌توانند نظر دادستان را نسبت به یک «واقعه» در کشوری دیگر جلب کنند. در این حالت دادستان تحقیقات مقدماتی را آغاز خواهد کرد و نتیجه را به دولت یا دولت‌هایی که درخواست بررسی را کرده اند اطلاع می‌دهد.
  ۲. ابتکار دادستان: ماده ۱۵ این اساس‌نامه پیش بینی کرده است که دادستان می‌تواند «بر بنیاد اطلاعاتی که در مورد جرایم مشمول صلاحیت دادگاه بدست می‌آورد، تحقیقات را آغاز نماید» بر بنیاد این، دادستان می‌تواند با جمع آوری اطلاعات و مستند سازی بیشتر از طریق دولت‌ها، سازمان ملل متحد و ارکان آن و نیز سایر سازمان‌ها و گروه‌های بین المللی، منطقه‌ای، غیر دولتی و منابع معتبر دیگر به تشخیص خود، تحقیقات خود را تکمیل کند.
  ۳. یکی دیگر از روش‌هایی که بر بنیاد آن دادستان تحقیق در باره انجام جرایم مندرج در اساس‌نامه را آغاز می‌کند، درخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد است. در مواردی که شورای امنیت بر بنیاد فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیتی را به عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت بین الملل» ارزیابی کند، می‌تواند از دادستان دادگاه بخواهد تا تحقیقات بر روی آن را آغاز کند؛ مثلاً: در قضیه دارفور، شورای امنیت با صادر نمودن قطع‌نامه ۱۵۹۳، در ۳۱ مه سال ۲۰۰۵م. از دادستان خواست که به جانیات انجام شده در سودان رسیده‌گی کند. سرانجام دستور بازداشت سه تن از مسئولان بلند پایه سودان به شمول عمرالبشیر، رییس جمهوری، انجامید. (یورونیوز؛ ۲۰۱۲)

## صلاحیت زمانی؛

دادگاه، صلاحیت رسیده‌گی به جرایمی را که پیش از لازم الاجراء شدن اساسنامه، انجام شده باشد، ندارد. بر بنیاد ماده ۱۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، هیچ‌گونه حق شرطی پذیرفته نیست و بنابر این، کشورها نمی‌توانند تنها با پذیرش آن بخش از مفاد اساسنامه که با مفاد قانون اساسی آن‌ها مغایرت ندارد، به آن بپیوندند، بلکه باید راهی برای حل این گونه تعارضها بیابند؛ یگانه استثناء، ماده ۱۲۴ است که به موجب آن هر دولت عضو می‌تواند، عدم صلاحیت دادگاه را برای رسیده‌گی به جنایات جنگی انجام یافته در قلمرو آن یا توسط اتباع آن برای مدت هفت سال نپذیرد؛ در راستای حل تعارض برخی کشورها، اقدام به اصلاح مقرره‌های مربوطه که در قانون اساسی آن‌ها وجود داشته است، نموده اند از جمله کشور آلمان به ماده مربوط به منع استرداد اتباع این کشور به سایر کشورها به منظور محاکمه، جمله‌ای افزوده و استرداد اتباع را به یک کشور عضو اتحادیه اروپا یا به دادگاه کیفری بین المللی، مجاز دانسته است. مشکل دیگر در خصوص تطبیق مفاد اساسنامه با قانون اساسی کشورها، عدم پیش بینی مؤنیت برای سران دولت‌ها یا سایر مقامات است. در ماده ۲۷ اساسنامه آمده است که این اساسنامه در مورد همه افراد بدون هیچ‌گونه تبعیض، اعمال خواهد شد؛ حتا اگر رئیس حکومت و یا دولت، عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا مأمور دولت باشد. این ماده در اساسنامه به معنی آن است که دادگاه کیفری بین المللی از دولت‌های عضو انتظار دارد که در صورت ضرورت، حتا با تغییر قانون اساسی خود، اشخاصی را که طبق قانون داخلی از مؤنیت برخوردار هستند، در اختیار دادگاه قرار دهند. (شریعت باقری؛ ۱۳۸۶)

اساسنامه دادگاه از نخستین روز ماه، پس از شصتیمین روز از تاریخ ختم شصتیمین سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیرکل سازمان لازم الاجرا می‌شود. اساسنامه دادگاه از اول جولای ۲۰۰۲ لازم الاجراء گردیده است. برای آن دسته از کشورها که پس از این مدت اساسنامه را تصویب می‌نمایند، یا با آن توافق اعلام می‌کنند و یا به آن ملحق می‌شوند، اساسنامه از نخستین روز ماه پس از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق توسط آن دولت، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم الاجراء خواهد شد.

## صلاحیت شخصی؛

در ماده ۱۱ اساسنامه دادگاه آمده است که تنها دادگاه صالح به رسیدگی به جرایم اشخاص می‌باشد؛ بنابر این، مسوولیت جزایی دولتی در این دیوان قابل رسیده‌گی نیست. شخص مورد نظر باید دارای مشخصه‌های زیر باشد:

- شخص باید حقیقی باشد نه شخص حقوقی؛
- اشخاص در زمان انجام یک جرم باید بیشتر از ۱۸ سال داشته باشند. بنابر این، اشخاص زیر ۱۸ سال در صورت امکان توسط دادگاه های داخلی و بر بنیاد قوانین ملی، محاکمه می‌گردند.
- یکی از جرایم توضیح داده شده در ماده‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ انجام یافته باشد.

در حالت‌های زیر مسوولیت جرمی یک فرد تعریف شده است:

- هرگاه در زمان انجام جرم، گرفتار نوعی بیماری یا اختلال روانی و یا هم به طور کلی، فاقد اراده باشد؛
- هرگاه خود شخص جرم نکرده باشد و اما دستور اجرای یک جرم را داده باشد و یا تشویق کرده باشد، مجرم است؛
- هرگاه شخص به منظور انجام جرم و یا تلاش برای آن، از هیچ‌نوع کمک دریغ نکرده باشد؛
- سمت رسمی افراد متهم، تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد؛ بنابر این، هر گونه مسوونیت بر بنیاد حقوق داخلی و حقوق بین المللی، مانع رسیده‌گی به جرم نمی‌شود.
- فرماندهان نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرماندهی نظامی را انجام می‌دهند نسبت به جرایمی که خود انجام می‌دهند و رسیده‌گی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه است، مسوول است. همچنان جرایمی که توسط نیروهای زیر فرماندهی، کنترل و اقتدار او، انجام می‌آید، مسوول است.

## دادگاه بین المللی جزایی و انتقادات؛

۱۲۰ کشور، به اساس نامه رم پیوسته اند. از این تعداد، ۳۳ کشور (نزدیک به ۳۰ درصد از دولت‌های عضو دادگاه) از زمره دولت‌های آفریقایی هستند. بر بنیاد این، افزون بر ۶۰ درصد از کشورهای این قاره به عضویت این دادگاه درآمده اند. قاره آفریقا در این زمینه در میان قاره‌های دیگر، پیش‌گام می‌باشد. به این سبب، آی.سی.سی با انتقادهای گوناگونی روبه‌رو است. بسیاری از انتقادکنندگان این دادگاه، می‌گویند که آی.سی.سی به نحوی غیرعادلانه بر آفریقا متمرکز شده است. تاکنون همه‌ی ۲۴ نفری که توسط دادگاه متهم شده اند - و تنها کسی که به زندان محکوم شده - آفریقایی هستند، موضوعی که سبب شده است تا اتهام تعصب و جانب‌داری به اجراء این دادگاه بدهند. این نکته، همچنان موجب واکنش اتحادیه آفریقا نیز شده است. (سفارت ایران-لاهی)

تا مارچ ۲۰۱۶م تعداد کشورهای عضو این نهاد به ۱۲۴ کشور رسیده است. ۳۱ کشور دیگر هم اساس نامه رم را امضاء کرده‌اند اما هنوز به تصویب مجالس قانون‌گذار خود نرسانده‌اند. کشورهای مهمی چون آمریکا، روسیه و چین (عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد) و هند، دومین کشور پرجمعیت دنیا از منتقدان این دادگاه بوده و به آن نپیوسته‌اند. (کیتنگ؛ ۲۰۱۵)

از زمان آغاز کار این دادگاه تاکنون، قاضیان برجسته این نهاد قضایی، رسیده‌گی به هفت وضعیت را آغاز کرده اند که همه‌ی این موارد در قاره آفریقا روی داده است. نخستین آن‌ها رسیده‌گی به جرایم پنج تن از رهبران «ارتش مقاومت پروردگار» در اوگاندا و واپسین آن‌ها، رسیده‌گی به جنایات انجام یافته در ساحل عاج و اتهام‌های لوران باگبو، رئیس جمهوری پیشین آن کشور، می‌باشد. (یورونیوز؛ ۲۰۱۵)

حمایت آمریکا از اسرائیل برای جلوگیری از محاکمه مقام‌های نظامی اسرائیلی سبب تضعیف دادگاه شده است. (کیتنگ؛ ۲۰۱۵)

بسیاری از کشورها خواستار افزودن تروریسمو قاچاق مواد مخدر به این فهرست بودند، اما توافقی بر سر تعریف تروریسم حاصل نشد و در مورد قاچاق مواد مخدر نیز تصور می‌شد که ممکن است که عمده منابع محدود این دادگاه به رسیدگی به آن اختصاص یابد. هند نیز اصرار داشت که کاربرد جنگ افزارهای هسته‌ایو سایر سلاح‌های کشتار جمعی، به عنوان جنایت جنگی در صلاحیت دیوان باشد که این تلاش ناموفق ماند. هند پس از آن از این موضوع ابراز نگرانی کرد که «اساسنامه رم به روشنی این مفهوم را بیان می‌دارد که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی یک جنایت جنگی به شمار نمی‌رود» که این یک هشدار غیرعادی به جامعه بین‌المللی بود. (دیلیپ لهیری؛ جولای ۱۱۹۸)

برخی هم از این موضوع انتقاد کرده‌اند که اساسنامه رم جرایم را بیش از اندازه موسع و مبهم تعریف کرده است. برای مثال دولت چین گفته است که تعریف جنایت جنگی در این اساسنامه فراتر از تعریف آن در حقوق بین‌المللی عرفی است. (لو جیانگپینگ و ونگ ژیکسینگ؛ جولای ۲۰۰۵)

## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، دکتر سید نصر الله، درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی- پرتال جامع علوم انسانی، شماره بیست و سوم، ص ۱۵۱-۱۵۳، بازیابی شده در ۲۳ میزان ۵۱۳۹۶.ش.
۲. ابراهیمی، محمد (۲۴ آبان ۱۳۹۳)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم)، پژوهشکده بافرالعلوم، بازیابی شده در ۲۴ عقرب ۵۱۳۹۲.ش.
۳. سفارت جمهوری اسلامی ایران-لاهی، دیوان بین‌المللی کیفری (http://thehague.mfa.gov.ir/index.aspx?siteid=۱۵۸&paged=۲۵۸۸۷)
۴. شریعت باقری، دکتر محمد جواد (۱۳۸۶)، اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، چاپ نخست.
۵. شیروبی، ستار (آذر ۱۳۹۲)، بانک مقالات حقوقی نشر عدالت، متن کامل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بازیابی شده در ۲۴ میزان ۵۱۳۹۶.ش.
۶. مختاری، محبوبه، حقوقدانان، دادگاه بین‌المللی کیفری، بازیابی شده در ۲۵ میزان ۵۱۳۹۶.ش.
۷. میلانی، علی رضا و فردین، مینا، بهار (۱۳۹۵)، فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۱، صفحه ۴۸-۵۸، بازیابی شده در ۲۶ میزان ۵۱۳۹۶.ش.



8. <http://fa.euronews.com/27/01/2012/iran-human-rights-icc>. Accessed 20 October 2017

9. International Criminal Court (ICC), [www.icc-cpi.int](http://www.icc-cpi.int). Accessed 20 October 2017

10. ICC, 10 Sep 2010. Policy Paper on Case Selection and Prioritization. Accessed 21 October 2017

11. Keating, Joshua, June 2010. The International Criminal Court Is Weak Because America Made It That Way, [www.slat.com/the\\_slatest/2010/06/10](http://www.slat.com/the_slatest/2010/06/10). Accessed 21 October 2017

12. DilipLahiri, 17 July 1998. [Explanation of vote on the adoption of the Statute of the International Criminal Court](#). Embassy of India, Washington, D.C.

Accessed 22 October 2017

13. Lu Jianping and Wang Zhixiang, July 2000. China's Attitude towards the ICC in *Journal of International Criminal Justice*. <https://academic.oup.com/jicj/article-abstract/2/4/606/10827>. Accessed 22 October 2017

14. John, Vidal and Own bowcott, September 2016. ICC widens remit to include environmental destruction cases. <https://www.theguardian.com/global/2016/Sep/10/>

Accessed 22 October 2017